



## تحولات ایران پس از تبعید امام خمینی

در این درس مهم‌ترین تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش و تداوم مبارزه امام خمینی و ملت ایران با رژیم پهلوی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

### اوضاع سیاسی ایران در فاصله ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش

سیاست داخلی: در این سال‌ها امیرعباس هویدا نخست‌وزیر بود. دوران نخست‌وزیری او که سیزده سال طول کشید، اوج استبداد و دیکتاتوری محمدرضا شاه در ایران است. نخست‌وزیر، وزیران، نمایندگان مجلس شورای ملی و مجلس سنا و حتی مقامات پایین‌تر از آن، براساس میل و خواست شاه عزل و نصب و یا انتخاب می‌شدند. شاه در تمام امور و شئون کشور دخالت می‌کرد و دولت و مجلس مجری فرامین او بودند. محمدرضا شاه حتی حزب‌های فرمایشی و دولت ساخته را تعطیل و نظام تک‌حزبی برقرار کرد و همه مردم ایران را مکلف ساخت که در حزب شاه، یعنی حزب رستاخیز عضویت یابند. حزب رستاخیز به مثابه یک سازمان امنیتی جدید در ذیل ساواک فعالیت خود را آغاز کرد که علاوه بر فعالیت‌های به‌ظاهر حزبی، عملکرد تمام گروه‌ها و بخش‌های فعال در سیاست رژیم را رصد کرده و گزارش آن را به شاه منتقل می‌نمود.

### بخوانید و پاسخ دهید:

در میان اسناد به‌دست آمده از سفارت آمریکا در تهران، جزوه‌ها یا کتابچه‌هایی موجود است که توسط کارشناسان آمریکایی تهیه شده است. هدف از تهیه این جزوه‌ها آشنایی مقدماتی افرادی بود که به منظور مأموریت‌های مختلف سیاسی، نظامی و اقتصادی از طرف دولت آمریکا به ایران می‌آمدند. در ادامه بخش کوچکی از جزوه‌ای با عنوان «نخبگان ایران و تقسیم قدرت در ایران» را می‌خوانید که در فوریه ۱۹۷۶ (بهمن ۱۳۵۴) نگاشته شده است. نویسنده این متن شخصی به نام «ارنست. آر. اونی» می‌باشد که مسئول جمع‌آوری اطلاعات درباره یونان، ترکیه و ایران در آژانس مرکزی آمریکا (C.I.A.) بین سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۵۸ بوده است.

«در طول ۱۲ سال گذشته مجلس آلت دست شاه بوده است و مقاصد شاه را برآورده می‌کرده است و تمام نمایندگان که با دقت به وسیله شاه انتخاب می‌شوند، حامی برنامه‌های شاه می‌باشند ... انتخابات ایران تقریباً همیشه با تقلب و فریب همراه بوده است که این نوع ریاکاری حداقل تا زمانی که محمدرضا در سال ۱۹۶۰ بر ایران مسلط گشت، دارای شکل ثابتی نبوده است. در هر حوزه انتخاباتی نمایندگان از پر قدرت‌ترین افرادی که در ناحیه بودند انتخاب می‌شدند، که این می‌توانست شامل مالکین بزرگ یا فئودال‌ها و یا اینکه رؤسای قبایل و یا فرماندهان نظامی باشند. دولت و مجلس می‌توانند در محل برای برگزاری انتخابات فعالیت کنند و این دو عامل اغلب در انتخابات باهم درگیر بودند. ... فعالیت مجلس بیشتر در مورد چگونگی اجرای برنامه‌های شاه دور می‌زند [ولی] خود برنامه‌ها هرگز مورد سؤال قرار نمی‌گیرد.» (مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد اول، صفحات ۲۴۱، ۲۴۲ و ۲۵۱)

متن زیر قسمتی از گزارش محرمانه‌ای است که جک میکولوس (کاردار وقت سفارت آمریکا در ایران) در جولای ۱۹۷۵ (تیر ۱۳۵۴ - تقریباً سه ماه پس از تشکیل حزب رستاخیز) برای وزارت خارجه آمریکا تهیه کرده است :

«ناراحتی شاه از انتقادات هرچند محدودی که در سیستم چند حزبی مطرح می‌شد، عامل مهمی در تصمیم او به حذف جناح مخالف، ولی رام ایران بود. ... موقعی که انتقادهای این دو دبیر کل، باعث ناراحتی شاه یا هویدا شد به سادگی مرخص شدند\* . عامل مؤثر دیگر در تصمیم شاه ممکن است همان نظر مشهورش درباره دموکراسی غربی باشد. او اعتقاد دارد که این دموکراسی حتی در همان جوامعی که آن را پدید آوردند، نمی‌تواند آن‌چنان که انتظار می‌رود موفق باشد. او به دموکراسی به‌عنوان پدیده‌ای بسیار مجزا از جو فرهنگی و سیاسی ایران می‌نگرد. به نظر او ایران تنها تحت حکومت‌های بسیار متمرکز و مستبد قادر بوده است به عظمت دست یابد. در این زمینه، حزب رستاخیز ملت ایران را می‌توان قدمی دیگر به سوی افزایش تسلط بر این جامعه دانست. اخراج روزنامه‌نگاران دارای سوابق مشکوک، تعطیل اجباری روزنامه‌ها و مجلات کوچک، اتخاذ سیاست خشن نسبت به ناآرامی‌های سابقه‌دار دانشجویی (که از آغاز دسامبر ۱۹۷۴ تا آخر مارس ۱۹۷۵ طول کشید) همگی نمودار اتخاذ سیاست تندتر در مورد آنها که فعالیت در فضای سیاسی فعلی ایران را نمی‌پذیرند، می‌باشد. ... حزب رستاخیز حائز مکانیسمی است که علاوه بر ایجاد امکان راه‌یابی در فعالیت سیاسی وسیله‌ای قانونی نیز برای شناسایی مخالفین نامطلوب می‌باشد. بنای حزب رستاخیز بر این نظریه شاه است، که معترضان به برنامه او در ایران باید بین زندان، تبعید یا محو شدن، یکی را انتخاب کنند.» (همان، صفحات ۲۸۱ و ۲۸۲)

\* دو دبیرکل حزب «مردم»، علی‌نقی کنی و ناصر عامری در پی انتقاد به حکومت از ساختار حزب حذف شدند.

«نخست‌وزیر هویدا چندین بار اعلام نمود که عدم ثبت‌نام در رأی‌گیری ایجاد زیان به حزب جدید محسوب خواهد گردید و مهم‌تر از آن به شناسنامه شرکت کنندگان مهر نقش خواهد شد. آنان که شناسنامه‌شان عاری از این نقش باشد از خدمات اساسی مثل ویزای خروج محروم خواهند شد.» (همان، صفحه ۲۸۶)

با توجه به اطلاعات داده شده به پرسش‌های زیر پاسخ دهید :

۱. چه کسانی امکان راه‌یابی به مجلس را داشتند؟

۲. احزاب و گروه‌های مستقل در ساختار انتخابات چه جایگاهی داشتند؟

۳. با توجه به اینکه قانون اساسی ایران در دوران پهلوی بر پایه نظام سلطنتی مشروطه نوشته شده

بود، محمدرضا شاه چه میزان به اصول قانون اساسی پایبند بود؟

در سال‌های مذکور شاه با تبلیغات وسیع، اصلاحات موسوم به انقلاب سفید را به اجرا گذاشت. تمام رسانه‌ها و ابزارهای تبلیغی رژیم مأموریت داشتند از برنامه‌های انقلاب سفید تعریف و تمجید کنند. در عرصه فرهنگی، رژیم برنامه‌های گسترده‌ای را به قصد تضعیف ارزش‌های دینی و ملی و ترویج فرهنگ غربی تدارک دید. شاه جشن‌های تاج‌گذاری و جشن‌های ۲۵۰۰ ساله را به همین منظور و با نوعی حس تفاخر برگزار کرد. این جشن‌ها رؤیاهای بلند پروازانه شاه بود. او در مقایسه با بسیاری از شخصیت‌های مطرح جهان فاقد مقبولیت مردمی بود و برای کسب اعتبار کاذب، درصدد برآمد، حکومت و شخصیت خود را به کوروش، پادشاه بزرگ هخامنشی پیوند زند و از این طریق محبوبیت و مشروعیتی کسب کند. او با این کار، چندین هزار سال تمدن ایران باستان قبل از هخامنشیان و نیز هزار و چهارصد سال از تمدن ایران اسلامی را نادیده گرفت. تغییر تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی نیز در همین راستا بود. نتیجه این اقدام‌ها، تخریب و تضعیف مؤلفه‌های هویت ملی بود.

حکومت شاه در فاصله سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ ش، سیاست فشار بر منتقدان و سرکوب مخالفان را شدت بخشید. نیروهای ساواک، شهربانی و ژاندارمری برای مقابله با مردم بسیج شدند؛ برای هماهنگی مطلوب در میان نیروهای سرکوبگر، کمیته مشترک ضدخرابکاری شکل گرفت. دستگیری، حبس، تبعید و ممنوع المنبر کردن، کمترین اقدام نیروهای امنیتی رژیم در برابر منتقدان و مخالفان بود.

شدیدترین برخورد با مخالفان در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ ش صورت گرفت. در این سال‌ها ساواک وحشیانه‌ترین شیوه‌های شکنجه را علیه مبارزان به کار برد؛ جمع زیادی در زیر شکنجه شهید شدند و برخی دیگر تیرباران شدند.

زندانی و تبعید کردن روحانیان، دانشمندان، فرهنگیان، استادان دانشگاه و نویسندگان پیامدهای منفی بسیاری برای رژیم داشت. براساس اعلام سازمان عفو بین‌المللی، ایران در سال‌های مذکور از نظر تعداد زندانیان سیاسی، با حدود دویست هزار زندانی مقام سوم را در جهان داشت.<sup>۱</sup>

۱. کرباسچی، هفت هزار روز، ج ۲، ص ۷۴۵.